

فاجعه ای که امریکا خواب آن را برای ایران دیده است

نویسنده- محمد علی زینی

برگردان- جواد جوانمهر

متن زیر ترجمه ایست از مقاله «The Iraqi Economy: present state and future challenges» از محمد علی زینی که در وب سایت CGES (مرکز جهانی مطالعات انرژی) و MEES (مرکز مطالعات اقتصادی خاور میانه) منتشر شده است. آنچه ما را بر آن داشت تا نسبت به ترجمه این مقاله اقدام کنیم دو نکته بود:

1- گزارشی نسبتاً دقیقی است که نویسنده از هزینه های تحمیل شده بر کشور عراق طی جنگ هشت ساله با ایران می دهد که با توجه به اینکه هیچ آمار و ارقام دقیقی در ایران از هزینه های جنگ ارائه نمی شود و شباهت زیادی که بین ایران و عراق از نظر اقتصادی و منابع درآمدیشان که هر دو نفت است وجود دارد، می توان از آن به عنوان معیاری برای تخمین هزینه های جنگ خانمانسوزی که بر ملت ایران پس از آزاد سازی خرمشهر از سوی حکومت تحمیل شد؛ استفاده کرد.

2- نکته دوم اینکه روند نابودی اقتصاد عراق طی دوره تحریم و برنامه نفت در برابر غذا را به دقت بررسی می کند که از این اطلاعات نیز برای پیش بینی وضعیت ایران در صورت تحریم از سوی شورای امنیت می توان استفاده کرد.

وضعیت فعلی عراق را تنها زمانی می توان درک کرد که تاثیرات جنگ هشت ساله ایران و عراق و جنگ خلیج فارس و دوازده سال تحریم اقتصادی و آخرین جنگ عراق که به سرنگونی صدام منجر شد را مد نظر قرار داد. به عبارت دیگر وضعیت فعلی اقتصاد عراق محصول و خروجی یک دوره 20 ساله است.

جنگ طولانی با ایران بهای سنگینی را به اقتصاد و مردم عراق تحمیل کرد و کشور را از نظر اقتصادی و اجتماعی در سرآشویی سقوط قرار داد. در میان خسارات وارده از جنگ با ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد.

62 میلیارد دلار در آمد نفت،

کاهش ذخیره ارزی به میزان 35-40 میلیارد دلار،

بدهی به کشورهای غیر عربی در حدود 42 میلیارد دلار،

بدهی به کشورهای عربی در حدود 35 میلیارد دلار،

هزینه های نظامی در حدود 105 میلیارد دلار

زیر ساخت های نابود شده که ارزش آن ها در حدود 35 میلیارد دلار است.

علاوه بر موارد پیش گفته توقف، روند توسعه سرمایه گذاری در کشور و اجبار کارگران مراکز تولیدی به حضور در جنگ و توقف بسیاری از واحدهای تولیدی به دلیل نداشتن مواد اولیه و قطعات یدکی ماشین آلات و تجهیزات را باید افزود. در نتیجه به جای ادامه رشد اقتصادی با نرخ بیش از 8% که در سال های قبل از جنگ محقق شده بود، میانگین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی عراق به کمتر از 1% در طی سال های جنگ کاهش یافت که بر اساس قیمت پایه سال 1980 تولید ناخالص داخلی در فاصله 1980-1989 در حدود 342 میلیارد دلار کاهش یافت. (به موارد ذکر شده می توان جان صدها هزار انسان بیگناهی که کشته شدند و چند ملیون معلول و بی خانمان را اضافه کرد و از طرفی به این نکته دقت کرد که در مورد ایران تحریم نفتی و خرید اسلحه در بازار سیاه به چند برابر قیمت که هر دو

مورد نقش تعیین کننده ای در کاهش درآمد و افزایش هزینه جنگ برای ایران داشت را نیز می توان به موارد فوق افزود).

بعد از جنگ با ایران در تابستان 1988، عراق تنها یکسال، یعنی سال 1989 را آرام سپری کرد. در آگوست 1990 صدام به کویت حمله کرد و 43 روز بمباران گسترده در جریان عملیات طوفان صحرا زیر ساخت های اقتصادی عراق را به کلی نابود کرد. (اتفاقی که در صورت اصرار ایران برای داشتن بمب اتمی و یا ادامه حرف های نابخردانه احمدی نژاد در مورد اسرائیل امکان وقوعش برای ما نیز دور از ذهن نیست. ضمن اینکه پیشرفت تسلیحاتی جهان در این 15 سال را هم به میزان تخریب ایران در صورت مورد حمله قرار گرفتن نسبت به بمباران عراق در سال 1990 باید افزود)

با نابودی زیرساخت های عراق و توقف صادرات و واردات به جز مقدار جزئی قاچاق (که البته برای ما همین قاچاق جزئی هم به دلیل محاصره بودنمان از سوی آمریکا مقدور نیست؛ ضمن آنکه تحریم ها نسبت به قبل بسیار دقیق تر و هوشمندتر خواهد بود) اقتصاد عراق دچار سقوط هولناکی شد. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سقوط کرد و بر اساس قیمت پایه سال 1980 تولید ناخالص داخلی از حدود 47 میلیارد دلار در سال 1990 به 12 میلیارد دلار در سال 1991 رسید. یعنی 75% کاهش یافت و پس از اندکی افزایش در سال 1992 که به 13.8 میلیارد رسید مجدداً در سال 1993 با کاهش زیاد به 10 میلیارد یعنی یک پنجم سال 1990 .

با سقوط تولید ناخالص داخلی ارزش دینار عراق به سرعت سقوط کرد. در سال 1980 ارزش برابری هر 1 دینار عراق = 3.2 دلار آمریکا بود و به مرور کاهش یافت تا به بعد از سال 1990 و آغاز تحریم ها که به عدد (باورنکردنی) 1 دلار = 2000 درهم رسید که مهمترین دلایل آن تحریم نفتی عراق و چاپ اسکناس بدون پشتوانه بود.

یکی از مشکلات دیگر عراق در دوره تحریم افزایش بی رویه نرخ تورم بود که دو تاثیر عمده داشت یکی اینکه تولیدات داخل عراق جوابگوی مواد غذایی و کالاهای مصرفی مورد نیاز مردم نبود؛ چرا که کارخانجات علاوه بر آنکه تعدادشان کم شده بود با مشکلاتی از قبیل کمبود برق، تامین مواد اولیه و قطعات یدکی ماشین آلات دست به گریبان بودند. پیامد دوم که مهمتر نیز بود تاثیر تورم در کاهش ارزش دینار بود .

آنهايي که می توانستند مواد غذایی و کالاهای مصرفی به عراق وارد کنند یا قاچاقی این کار را انجام دهند با توجه به نزول ارزش دینار برای مصرف کننده عراقی امکان خرید وجود نداشت. این مشکل حتی با تصویب طرح نفت در برابر غذا نیز ادامه پیدا کرد.